



تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۱۷	تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۳/۱۰
--------------------------	-------------------------

الگوهای عملی صلح امیرالمومنین (ع) با تأکید بر نهج البلاغه

مهدی محمدزاده راوندی^۱

زهره سادات رضوی^۲

۱- چکیده

صلح و جنگ همیشه ملازم و همراه انسان بوده است. متفکران و فلاسفه نیز بطور مداوم بدنبال ریشه‌یابی جنگ‌ها و راه رسیدن به صلح پایدار بوده‌اند. دین اسلام مبتنی بر برادری، برابری و کمال انسانی، توصیه‌های متعددی برای دستیابی به صلح داشته و امامان معصوم الگوهای عملی پیاده نمودن توصیه‌های دین مبین اسلام می‌باشند. در این پژوهش راه‌های عملی صلح دوران کوتاه زمامداری امام علی(ع) مورد بررسی قرار گرفته است. با عنایت به متون و مقالات متعدد درخصوص صلح و موضوعات مختلف نهج‌البلاغه، تاکنون مقوله صلح با رویکرد عملی دوران زمامداری امیرالمومنین علی(ع) کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در این پژوهش از روش کتابخانه‌ای و ابزار توصیفی تحلیلی استفاده شده است. پژوهش به این سوال پاسخ می‌دهد که رویکردهای عملی امام علی(ع) در مقوله صلح و صلح‌طلبی در دوران زمامداری ایشان کدامند؟ پژوهش نشان می‌دهد که نگاه ایشان به جنگ و صلح بعنوان ابزاری برای رسیدن به اهداف متعالی الهی بوده است.

واژگان کلیدی: صلح، امیرالمومنین(ع)، نهج‌البلاغه، صفین، خوارج

۱ دانشجوی ترم آخر دکتری جغرافیای سیاسی
۲ فوق لیسانس اصول و مبانی علوی (نهج‌البلاغه)



۲- مقدمه

صلح یکی از آرزوها و غایت‌های متفکران و فلاسفه بوده و در دوران‌های مختلف بدنبال آن بوده‌اند. متفکران بدنبال ریشه‌یابی علت جنگ‌ها و خونریزی‌ها و رسیدن به آرامش، صلح و امنیت بوده و تلاش داشته‌اند برای حل مسالمت‌آمیز مشکلات راه‌حل ارائه دهند. از نگاه اندیشمندان مسلمان، قرآن و دین مبین اسلام مبتنی بر برادری، برابری و سعادت و کمال انسان‌هاست و می‌تواند صلح و امنیت جهان را محقق سازد. برهمین اساس برخی اندیشمندان، اصول اندیشه سیاسی شیعیان، یعنی نهج‌البلاغه را از تکنیکی‌ترین و حکیمانه‌ترین گزاره‌ها در باب سامان‌دهی قدرت ابراز داشته‌اند.

امیرالمومنین علی(ع) در بیشتر دوران حکومت پنج ساله خود درگیر جنگ و جهاد بوده‌اند. یعنی از اول شروع خلافت آن حضرت که بعد از مدت کوتاهی جنگ جمل شروع شد، تا لحظه‌ی شهادت آن حضرت که عازم جنگ مجدد با معاویه بود، همه زندگی ایشان جنگ بوده است. دوران حیات امام علی(ع) تقریباً با جنگ و مبارزه سپری شده است و از حدود ۲۰ سالگی در عرصه‌های مبارزه حضور داشته‌اند و در کسوت قهرمان بی‌نظیر و شجاع جنگیده و نام‌آور شده است و در دوران حکومت و زمامداری خود نیز با توطئه‌ها و فتنه‌های متعددی دست به‌گریبان بوده است. در عین حال نگاه ایشان به جنگ و صلح بعنوان ابزاری برای رسیدن به اهداف متعالی الهی بوده است. در خطبه ۱۳۱ انگیزه و هدف از جنگ و مبارزه را زنده نمودن دین، اصلاح جامعه، رفع ستم از سر مظلوم، اجرای حدود و پیاده کردن احکام الهی می‌داند.

امیرالمومنین علی(ع) زمانی که حکومت تشکیل داد به کارگزاران و دشمنان و مردم نامه نوشت. ۷۹ نامه وی در نهج‌البلاغه تکنیک‌های اصیل و کاربردی حکمرانی را تشریح



کرده است. (اسلامی، ۱۳۹۳: ۲) ایشان در نامه‌ها و نیز در جنگ‌های دوران زمامداری خود درعمل، صلح دوستی و پرهیز از جنگ و درگیری را به منصفه ظهور رسانده است. امام همواره خواهان صلح و آرامش و آسایش توده مردم بوده و اگر به ناچار جنگ می‌کرد، مقابله با فتنه‌انگیزی و جنگ‌افروزی برای احقاق حق و ادای وظیفه الهی بوده است. هرچند بررسی‌ها نشان می‌دهد که در زمینه صلح‌طلبی امام علی در نهج‌البلاغه بجز چند اثر محدود، آثار مستقلی تالیف نشده است اما این امر می‌تواند موضوع پژوهشهای زیادی باشد. هدف ما در این نوشتار، رویکرد اسلامی به صلح است که بر مبنا و اساس یکی از منابع اساسی جهان تشیع، یعنی نهج‌البلاغه بدان پرداخته شده است.

۳- مفهوم‌شناسی صلح

صلح در لغت به معنای سلم، سازش، آشتی، پایان جنگ و مقابل حرب و جنگ است. (دهخدا، ۱۳۸۵) در فرهنگ معین، صلح پیمانی است که برحسب آن دو طرف دعوی را حل و فصل نمایند. (معین ۱۳۸۴) در فرهنگ لغات عربی، السلام و التصالح معنا شده است (غفرانی، ۱۳۸۳: ۳۹۷) در سیاست، صلح یعنی، حالت آرامش و نبود تخاصمات در سطح بین‌الملل یا منطقه‌ای در پایان درگیری‌های نظامی که طرفین درگیری با امضاء قرارداد صلح، به مناقشه و درگیری خاتمه می‌دهند. (نعمت‌الهی، ۱۳۷۹: ۹۲) تافلر صلح را حالت طبیعی می‌داند که با جنگ بهم می‌خورد و پس از آن کوشش می‌شود که دوباره برگردانده شود. (تافلر، ۱۳۷۲: ۱۷۱) راغب اصفهانی صلح را از بین بردن نفرت میان مردم معنا کرده و صلح را به معنی شایسته شدن و خوب شدن و ضد فساد دانسته‌اند. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۴۸۹)



۴- جایگاه صلح در مکاتب سیاسی

صلح شعاری است که همه انسانها بدان اندیشیده و آرزومند آیند و نخله‌های فکری گوناگون برای تبدیل این شعار به واقعیت راه‌ها و تکنیک‌هایی را مطرح نموده‌اند. در غرب و نگاه مادی‌گرایانه، منافع ملی دولت‌ها، درکسب ثروت، قدرت و تامین بقاء است. منفعت، انگیزه هر عمل و قدرت، وسیله و جزء لاینفک آن بشمار می‌رود و بر همین مبناست که در اتحادها و ائتلاف‌ها، برای کسب منافع و نه برای صرف صلح همکاری می‌کنند. در واقع‌گرایی برای توازن منافع متضاد و متعارض، توازن قدرت پیشنهاد می‌شود و این موازنه قدرت با هدف خودیاری و بقاء دولت‌هاست. تحقق صلح در غرب بر مبنای قدرت هژمونی است و معتقدند که توانایی این امر را نیز دارند. صلح در اسلام متوجه اهداف الهی، رضایت خداوند، برقراری عدالت و رفع ظلم و ستم و به کمال رسیدن انسان است. صلح با مفهوم عدالت، حقوق انسانی و کرامت عمومی انسان و امنیت و سلامت همه جوامع مسلمان و غیرمسلمان معنا می‌یابد. در واقع اساس صلح در اسلام، نگرش الهی به آن است. در همین راستا برای رسیدن به صلح عادلانه، اسلام مبارزه با ظلم را نیز تجویز می‌کند. رخت بریستن صلح اغلب به خاطر توهین به هویت‌ها و جنگ پارادایم‌هایی است که یکدیگر را قبول نمی‌کنند. (اسلامی، ۱۳۹۳: ۸) ولی اسلام تحقق صلح را با ایمان و باور و پایبندی به قوانین دین الهی امکان‌پذیر می‌داند. در جدول زیر بصورت مختصر به برخی از نخله‌های موجود در غرب و نگاه آنها به مقوله صلح اشاره شده است:



جدول ۱- تکنیک‌های صلح از منظر تئوریه‌ای علم سیاست

چهار چوب فکری	متفکران	دلایل وجود جنگ	تکنیک‌های ایجاد صلح	آسیب‌شناسی
آرمانگرایی	کانت و هابز	جنگ اصل نیست برخی مواقع به خاطر حاکم نبودن عقل و توسعه یافتگی شکل می‌گیرد.	توسازی، دموکراسی، حقوق بشر، سازمان‌ها و حقوق بین الملل، اقتصاد بازار آزاد	به شدت غربی و ساخته شده برای هژمونی ابرقدرت‌ها، تفرقه و حشیه غیر غرب به خطای و تک بعدی
واقع گرایی	مورگنتا و لانتز	انسان‌ها شرور هستند و منافع سیری ناپذیری طرفدار جنگ اصل است و به خاطر ماهیت آنراشیک روابط بین الملل شکل می‌گیرد.	موازنه قوا، اتحادهای استراتژیک، هستیایی به بمب اتم، قدرتمند شدن به هر قیمتی	رویکردی بسیار خشک و ضد انسانی، بدون اخلاقی، توجیه کننده هرگونه خشونت و رویکرد ضد انسانی و ضد عقلانی
اقتصادی	والتر شائین و کاکس هابزاس	سرمایه و پول و رویکرد بازاری در اقتصاد سرمایه داری عامل اصلی جنگ است. نگاه ابزاری و فرهنگ سرمایه داری استثمار، جنگ و امپریالیست را شکل می‌دهند.	اقتدار و مقاومت در برابر سرمایه داری، رویکرد های اصلاحی و انقلابی در برابر استثمار و سلطه سرمایه داری، توجه به کنش ارتباطی و فضایی عمومی (هابزاس، ۱۳۸۶: ۲۰۷-۲۱۰)	ورود کردن اخلاق در سیاست و رویکرد انقلابی فضاهای کیفی زیادی جهت ایجاد دیکتاتوری‌ها فساد سیستمی ایجاد نمود (هابزاس، ۱۳۸۶: ۴۵۶) مقاومت‌ها هم صلح‌گرا نبوده‌اند.
سازو فکری	لونت	همه برهان‌ها و حقایق را از یک پلاده است جنگ امری که می‌تواند در جهان نیست و هیچ‌کس نمی‌تواند با یکبار گفتن او نمی‌تواند صلح را به دست آورد (لونت، ۱۳۹۲: ۱۳۳)	گفت و گوی تمهیدات، صلح‌های عمومی، انتقام، جرمه منتهی جهاتیف مذاکره و تساهل نقش اساسی در رسیدن به صلح دارند، توجه به دیپلماسی	مسالمت آمیز، هنجاری و خوش بین هستند کم توجهی به ساختارها و واقعیات
پسا مدرنیسم	مردریان، اشلی، گری	تئوری کلان وجود ندارد تئوری‌ها را باید قسر کرد هنر ربط بین اهل	مقاومت در برابر جریان جهانی شدن و حاکم شدن یک فرهنگ، حمایت از	بسیار تفصیلی و روشنفکرانه است، تا حدی راه‌یکال و غیر علمی، نقد بدون راهکار



	هارت	در ارتباط با قدرت شکل گرفته است 2009: 207-209 (Griffiths)	حاشیه ها و خرجه گفتگوها توجه شبکه قدرت های ریز	
فمنیسیم	ایر گلری سیسکو تایرسون	به تئوری شکل گرفته به تئوری زن توجه نظریه پرمالاری و رویکردهای عمل مادر با جنگ و تحولات ارتباط سیاسی نظریه مردمان به خدمت پیچ برآیند دارند ۱۳۸۷، ۵۲	توجه به زنان، انتقادهای رویکردهای مردسالارانه روابط بین الملل، حمایت از جنبش های زنان، افزایش نقش زنان در مناسبات سیاسی و اجتماعی صلح را به همراه خواهد آورد.	قتلن بسیار مهمی را عنوان کرده اند، اما به لحاظ تئوریک و علمی بسیار پراکنده و متناقض هستند.
اخلاق جایگاهی اسلام آندرو تامه علی (ع) اسلامی)		توجه به تجربیات و اخلاق جایگاهی، جنگ یک لحظه است بردباری و خاموشی خشم، نیت خونی، تقدم اندیشه باعث جنگ و خسوفت می شود.	تجربه و عمل بسیار مهم است شرایط اجتماعی متفاوت در هر هنجاری مر نظر گرفته شود. رویکرد تفهیم به محیط، رواداری، دوری از شتاب زده گی، تواضع	شرایط استبدادی و کیفی و اخلاقی، تسبی، در نهایت نوعی ادب تکنیکی و موقعیتی و جایگاهی برای صلح

منبع: اسلامی و بهرامی (۱۳۹۳: ۵)

بطور کلی از مفاهیم مرتبط با صلح در غرب را می توان به توازن قدرت، توازن منافع متضاد و متعارض، خودیاری و بقاء دولت (تنازع بقاء)، نگرش مادی به صلح، تاکید بر قدرت هژمون، رویکرد ضد انسانی و عدم وجود اخلاق در جنگ، بکار بردن هرگونه خشونت، رویکرد ضد انسانی و ضد عقلایی به جنگ، نگاه بازاری و حفظ سرمایه، استعمار و امپریالیست، تقابل تمدن ها و فرهنگ ها اشاره کرد که بررسی دهه های گذشته تاریخ جهان و جنگ های بزرگ بشری، گواه و شاهی است بر این امر که غرب تنها به بعد مادی و تسلط بر دیگران در جنگ را مد نظر دارد. هر چند در نظام بین الملل اصل مبتنی بر حق حاکمیت، تمامیت ارضی، برابری حقوق، عدم مداخله در امور داخلی دیگر کشورها و احترام به حق کلیه ملت ها در انتخاب آزاد



نظام اجتماعی خویش است، اما در عمل از انسانیت و کرامت و نگاه آسمانی و الهی بی‌بهره است.

۵- صلح و جنگ از نگاه اسلام

در اعتقادات دینی اجبار و فشار وجود ندارد. در آیه ۲۵۶ سوره بقره می‌فرماید در دین اکراه روا نیست و راه رشد و تعالی از ظلمت مشخص گردیده است. (لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّفَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى لَا انْفِصَامَ لَهَا)، آیات ۹۹ یونس (أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ)، ۲۹ کهف (وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ) و ۱۰۷ انعام (وَمَا جَعَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِظًا وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ) نشان می‌دهد که شیوه دعوت اسلام، شیوه‌ای عقلایی و بدور از اجبار می‌باشد. (امیری، ۱۳۹۷: ۷)

لذا دعوت به اسلام بر نفی نژادپرستی و بر مبنای مشترکات انسانی است. در آیه ۶۴ آل عمران به نقاط اشتراک بین ادیان اشاره دارد و دعوت به صلح و سازش بر مبنای مشترکات می‌نماید. (قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ). همچنین آیات ۱۳ احجرات (يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا)، ۸۱ مائده (وَلَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ مَا اتَّخَذُواهُمُ أَوْلِيَاءَ وَلَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاِسْفُونَ)، ۱۱۱ و ۱۱۲ بقره (وَ قَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَى تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ * بَلَى مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَ هُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ)، بر نفی نژادپرستی تاکید دارد. بطور کلی اسلام بر صلح و روابط شرافتمندانه، مسالمت‌آمیز، با احترام، رعایت حقوق متقابل و صلح همراه با حفظ کرامت انسان مسلمانان اصرار می‌ورزد و مسلمانان باید برای ایجاد عدالت، برابری، صلح و امنیت و



توسعه که از مصادیق "بر" است، تلاش نمایند و در این راه از هر نوع همکاری که سبب فساد، تباهی و ظلم است خودداری کنند. (امیری، ۱۳۹۷: ۱۷)

در قرآن در آیه ۱۲۸ سوره نساء دو نوبت به صلح اشاره شده است و به برتری صلح و سازش براختلاف و درگیری بین زن وشوهر اشاره نموده است (وَإِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُورًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ) و به این امر تاکید دارد که منشا صلح و دوستی از کانون خانواده است و ریشه اصلی نزاع را بخل و حرص می‌داند. در آیه ۱۸۲ بقره نیز آمده فَمَنْ خَافَ مِنْ مُوصٍ جَنَفًا أَوْ إِثْمًا فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ که اشاره دارد به اصلاح بین وراث در اجرای وصیت و درآیه ۲۲۴ با عبارت شریفه وَصَلِحُوا بَيْنَ النَّاسِ به تاکید بر اصلاح و صلح بین مردم می‌پردازد. آیه ۱۰۹ بقره در مقابل ستم اهل کتاب ابتدا تاکید بر عفو و مدارا دارد "فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا". لفظ صلح در قرآن دو وجه معنایی دارد یکی اصلاح کردن است. إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنَّا قُلُوبَكَ أَنَّكَ تَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ آنها که توبه و بازگشت کردند و اعمال بد را اصلاح نمودند، من توبه آنها را می‌پذیرم (بقره ۱۶۰) و دوم آشتی دادن، فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ (نساء ۱۲۸) مانعی ندارد که صلح و آشتی کنند و صلح بهتر است (زن و مرد از پاره‌ای حقوق به خاطر صلح صرف‌نظر کنند).

اما در خصوص جنگ و درگیری، قرآن به برخی از مجوزها را اشاره نموده است، مانند انجام جنگ برای دفع تجاوز و قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ (بقره ۱۹۰) و در راه خدا با آنان که به جنگ و دشمنی شما برخیزند جهاد کنید، لکن از حد تجاوز نکنید که خدا متجاوزان را دوست ندارد. مجوز دیگر برای رفع فتنه است. وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونُوا فِتْنَةً وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ أَنْتَ هُوَ أَفْلَعَدُوا إِلَّاءَ عَلَى الظَّالِمِينَ (بقره ۱۹۳) و با کفار جهاد کنید تا فتنه و فساد از روی زمین برطرف شود و دین خدا حاکم باشد و بس، و اگر (از فتنه) دست کشیدند



(با آنها عدالت کنید که) تجاوز جز بر ستمکاران روا نیست. شاخص و مجوزب عدی که قرآن به آن اشاره کرده است، رفع استضعاف از ستمدیدگان می باشد. وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا (نساء ۷۵) چرا در راه خدا جهاد نمی کنید و در راه (آزادی) جمعی ناتوان از مرد و زن و کودک که (در مکه اسیر ظلم کفارند و) دائم می گویند: بار خدایا، ما را از این شهری که مردمش ستمکارند بیرون آر و از جانب خود برای ما (بیچارگان) نگهدار و یآوری فرست. شاخص چهارم، ص اشد. که قرآن به آن اشاره کرده است، هاست. دفاع از سرزمین می باشد، أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا * الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبَّنَا اللَّهُ وَلَوْ لَادْفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهُ دَمْنُصَوًا مَعَ وَيَعٍ وَصَلَوَاتُ مَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا (حج ۳۹ و ۴۰) و مجوز پنجم، مبارزه با نقض کنندگان پیمان و آغازگران جنگ است أَلَا تُقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ (توبه ۱۳) که هر عقل سلیمی وجوب دفاع در چنین مواردی را تأیید می کند. (امیری، ۱۳۹۷: ۲۲). هرچند در حین بیان مجوزهای جنگ، باز توصیه هایی بر رفتار درست و حفظ اهداف الهی درجنگ دارد. آیه ۱۹۰ بقره ضمن مجوز جهاد با کسانی که به جنگ و دشمنی مسلمین برخاسته اند، تأکید می نماید که ستمکار نباشید وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّا لِلَّهِ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ که خداوند ستمکاران را دوست ندارد. و یا آیه ۸ مائده که تأکید نموده، عداوت گروهی، نباید شما را از راه عدل و راستی و درستی بیرون ببرد (وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نَقَوْمٍ عَلَى أَنْ تَعْدِلُوا غَدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى).



۶- الگوهای عملی صلح در حکومت امیرالمومنین (ع)

هنگامی که امام علی (ع) زمام امور را به دست گرفت، ابتدا بازگردان اموال به غارت رفته از بیت‌المال را آغاز کرد. لذا چپاولگران بیت‌المال خطری جدی احساس کردند و دست به مخالفت با امام زدند. اقدام دیگری که منشاء شکل‌گیری مخالفت و مقابله با حکومت امام علی (ع) شد، تقسیم سرانه بیت‌المال به مساوات بود. که البته به مذاق عده‌ای خوش نیامد و دست به مخالفت زده و حتی از دریافت سرانه خودداری کردند. لذا نخستین حلقه‌های مخالفت و مقابله با امام علی (ع) شکل گرفت. اقدام دیگری که موجب شکل‌گیری مخالفت‌ها و مقابله‌ها با حکومت امام علی (ع) شد، برکنارکردن کارگزاران عثمان بویژه برخی از آنان مانند معاویه بود. امام علی (ع) سفیری را (مسور بن زهری) به سوی معاویه فرستاد و درصدد بود که برکناری معاویه با کمترین هزینه انجام شود. علی‌احال اقدامات اصلاحی امام علی (ع) به قدری قدرت‌طلبان را به خطر انداخت که بلافاصله دست به اقداماتی برای براندازی حکومت او زدند. قدرت‌طلبان اموی به رهبری معاویه (قاسطین)، قدرت‌طلبان غیراموی به رهبری طلحه و زبیر (ناکثین) و از درون گروه کج فهم مقدس مآب (مارقین)، بنابراین سه گروه با ویژگی‌های گاه مشترک و گاه متفاوت، با همه توان خود به مخالفت با حکومت برخاستند و هزینه‌هایی سنگین و جبران‌ناپذیر بر حکومت تحمیل کردند. امام علی (ع) در خطبه ۳ در تحلیلی جامع ریشه همه اقدامات این سه گروه را برخاسته از دنیازدگی معرفی کرده است وَ لَكِنَّهُمْ خَلِيتِ الدُّنْيَا فِي أَعْيُنِهِمْ وَ رَأَوْهُمْ زُرُجُهَا دُنْيَا در چشمان آنان زیبا نمود و زیور و زینت آن، ایشان را در ربود. به رجال این سه گروه، سه جنگ سخت و پرهزینه را بر امام علی (ع) تحمیل کردند. اما امام با همه دشواری‌ها و مخالفت‌ها در صدد بود که راه صلح را عملی ساخته و حتی الامکان از جنگ و خونریزی ممانعت نماید.



ابن میثم در شرح نهج البلاغه درمورد هدف امام علی(ع) از جنگ می‌گوید، هدف مورد نظر و خواست واقعی امام علی(ع) از جنگ و صلح هدایتگری است. بر این اساس حضرت در تمامی جنگ‌ها به دنبال این بود که جنگ را به تاخیر اندازد و هدایت منحرفان را از طریق مسالمت‌آمیز به سرانجام رساند. (کوثری، ۱۳۹۷: ۱۰۹) بطور کلی می‌توان الگوهای عملی تحقق صلح امام علی(ع) را بدین شرح بیان داشت: مکاتبه، ارسال سفیر، تاکتیک مناسب در مذاکره، آزادی بیان و آزادی سیاسی و احترام به حقوق شهروندی و اجتماعی مخالفان، شکاف و رخنه در بین مخالفان، تاخیر در جنگ، تضعیف روحیه دشمن و ارائه توان و تجهیزات نظامی (کوثری، ۱۳۹۷: ۱۱۲-۱۲۳) امام در راه و هدفی که داشتند از هیچکس بیم و هراسی نداشته و به هدف غائی و الهی خود می‌اندیشیدند. مصداق آیه شریفه "يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ" (مائده ۵۴) کسانی که در راه خدا جهاد می‌کنند از نكوهش و ملامت احدی باکی ندارند. خداوند درآیه ۱۲۶ نحل می‌فرماید: اگر کسی به شما ستمی رسانید شما باید به قدر آن در مقابل انتقام کشید و "وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ" "ولذا توصیه حضرت علی(ع) در قبال مقابله به مثل با ابن ملجم همراهی با این آیه و آیه ۳۳ اسراء (وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ) می‌باشد. در دوران حکومت امیرالمومنین(ع) چند اتفاق و جنگ مهم روی داده که با نگاهی اجمالی به آنها می‌توان نمونه‌های عملی نگاه و بینش امام به صلح را به روشنی دریافت. همچنین نامه امیرالمومنین(ع) به مالک اشتر و توصیه‌ها و سفارش‌های مندرج در آن درخصوص حکومت‌داری و سیاست‌ورزی مستندی مهم از بینش و نگاه آسمانی امام(ع) به صلح است.



۶-۱- جنگ جمل

نخستین حرکت براندازانه و مخالفت‌آمیز سخت در مقابل حکومت امام علی (ع) فتنه جمل بود. این جنگ در بستری از قدرت‌طلبی، فزون‌خواهی و مسندگرایی شکل گرفت. طلحه و زبیر به بهانه عمره و در اصل برای پیوستن به عایشه در مکه که پرچم مخالفت با حکومت علی (ع) را برافراشته بود، از امام اجازه خواستند، ایشان با آنکه می‌دانست آنها در صدد پیوستن به عایشه و سایر مخالفان هستند و قصد فتنه‌انگیزی دارند، از رفتن بازشان نداشت زیرا نمی‌خواست قصاص قبل از جنایت نماید. در مقابل اعتراض عبدالله بن عباس فرمود: ایا می‌خواهی من آغازگر ستم و بدی باشم و بر اساس گمان تهمت مجازات کنم؟ امام پیش از شروع جنگ جمل (ناکثین) برای ایجاد صلح، بدون زره و شمشیر برای مذاکره با زبیر به اردوگاه دشمن رفتند. (ملاشاهی، ۱۳۹۷: ۱۵۸) ایشان همچنین به سپاه خود فرمودند که اگر مخالفان مجروح شدند، تندی و بدرفتاری نکنید و اگر فرار کردند وی را تعقیب ننمائید و اگر کسی اسلحه خود را زمین گذاشت و تسلیم شد او در امان است. این موضوع نشان می‌دهد که امام جنگ‌طلب و خواهان جنگ و کشتار نبوده و تمام تلاش و سعی خود را بردوری از جنگ و کاهش تلفات گذاشته است. چنانکه در خصوص عایشه همین‌گونه اقدام نمود. در جنگ جمل، شتر عایشه در وسط لشکر قرار داشت و نقش محوری ایفا می‌کرد، علی (ع) به عمار و مالک اشتر و محمد بن ابی بکر و چند نفر دیگر دستور داد که به قلب لشکر دشمن حمله کرده و با ساقط کردن شتر عایشه، لشکر را منهزم نمایند. شتر کشته و هودج عایشه به زمین سقوط کرد. علی، محمد بن ابی بکر برادر عایشه را مأموریت داد که از احوالات عایشه اطلاع کسب کند و در صورت نیاز به کمک، اقدام نماید. چون عایشه زخمی سطحی برداشته بود ایشان زمینه اسکان وی را در یکی از خانه‌های بصره فراهم نمود. (محمدیان، ۱۳۸۸:



۷۰ پاورقی) امیرالمومنین(ع) مسالمت و آشتی را بر جنگ و خونریزی ترجیح می‌داد، مگر آنکه دشمن همه راه‌ها را برصلح و آشتی بسته و چاره‌ای جز پیکار نمانده باشد.

امیرالمومنین(ع) از روشها و تاکتیک‌های مختلف برای دستیابی به صلح و پیشگیری از جنگ و خونریزی بهره می‌گرفت. بعنوان نمونه با توجه به شناختی که از فرزند زبیر داشت، به ابن عباس توصیه نمود که با زبیر بدون حضور پسرش عبدا.. با او مذاکره کند. (کوثری، ۱۳۹۷: ۱۱۵) روش دیگر امام استفاده از عواطف و احساسات مخالفین برای کسب صلح و دوری از جنگ بود. در خطبه ۳۱ امام در مورد زبیر می‌فرماید سر وقت زبیر رو، که خوی نرم‌تر دارد، و بدو بگو خالزاده‌ات گوید درحجاز مرا شناختی و در عراق نرد بیگانگی باختی، چه شد که بر من تاختی؟ در اینجا خالزاده خطاب کردن زبیر، دارای بار احساسی است که با هدف رقت و نرمی قلب و تاثیرگذاری پیام و دوری از جنگ بکار برده شده است. (فرخی، ۱۳۹۶: ۱۳۹) امام از صبر و تحمل در برابر جنگ و آغاز نمودن درگیری استفاده می‌کردند و در شروع جنگ تا آنجا که فضا و زمان اجازه می‌داد به صبر و تحمل متوسل بودند. در جنگ جمل امام در خطبه‌ای فرمود این گروه، از امیرالمومنین بودن من پشت به پشت هم داده‌اند و من تا هنگامی که از پیکارچی شما احساس خطر نکنم، شکیب می‌ورزم. (خطبه ۱۶۹)

۶-۲- جنگ صفین:

امیرالمومنین(ع) قبل از شروع جنگ صفین (قاسطین) برای بیعت معاویه، سفیران فرستاد و با اینکه اصحاب و یاران امام تقاضای شروع جنگ را قبل از تجهیز و آمادگی لازم طرف مقابل را داشتند، امام تا زمانی که از جواب سفیر خود جریر که نزد معاویه فرستاده بود مطلع نبود، اقدامی برای جنگ ننمود و صلح و سازش را بیشتر ترجیح می‌داد (إِنَّ اسْتِعْدَادِي لِحَرْبِ أَهْلِ الشَّامِ وَ جَرِيرٌ عَنْدَهُمْ إِغْلَاقٌ لِلشَّامِ وَ صَرَفٌ



لِأَهْلِهِ عَنْ خَيْرٍ إِنْ أَرَادُوهُ، وَ لَكِنْ قَدْ وَقَّتْ لَجَرِيرٍ وَقْتًا لَا يُقِيمُ بَعْدَهُ إِلَّا مَخْدُوعًا أَوْ عَاصِيًّا وَ الرَّأْيُ عِنْدِي مَعَ الْأَثَاةِ فَأَرُودُوا وَ لَا أَكْرَهُ لَكُمْ الْإِعْدَادَ. خطبه ۴۳) اعزام سفیران و مکاتبات فی ما بین امام و معاویه حدود سه ماه طول کشید و در این مدت تعدادی از مخالفان تغییر رویه و عقیده داده و به امام پیوستند تا اینکه معاویه در ماه صفر سال ۳۷ هجری اعلام جنگ نمود. امیرالمومنین (ع) در خطبه ۲۰۰ نهج البلاغه تلویحا استفاده از هر شیوه ممکن برای نیل به اهداف را بدون در نظر گرفتن مشروعیت آن رد می‌کند و می‌فرمایند به خدا سوگند معاویه زیرک‌تر از من نیست بلکه شیوه او پیمان‌شکنی و گنهکاری است. "وَاللَّهِ مَا مُعَاوِيَةُ بِأَدْهَى مِنِّي، وَلَكِنَّهُ يَغْدُرُ وَ يَفْجُرُ. وَ لَوْلَا كَرَاهِيَّةُ الْعَدْرِ لَكُنْتُ مِنْ أَدْهَى النَّاسِ." اگر پیمان‌شکنی ناخوشایند نبود، زیرک‌تر از من کسی نبود.

حضرت در سفارش به فرمانده لشکر خود معقل بن قیس ریاحی که با سه هزار سرباز بعنوان پیشاهنگان سپاه به سوی شام حرکت کردند، فرمود (نامه ۱۲) جنگ مکن مگر با کسی که با تو جنگد و نباید دشمنی با آنها شما را وادار به جنگ با آنان کند پیش از آنکه ایشان را به سوی حق بخوانید و با آنها اتمام حجت کنید. امیرمومنان (ع) به یاران خود امر نمود که هر کس به شما پیشنهاد صلح کرد از او بپذیرید. (و من القی الیکم السلم فاقبلوا منه)

امام علی (ع) مکررا در ارتباط با مخالفان از پند و اندرز بهره گرفته است و قبل از هرگونه اقدامی، ابتدا مخالف را نصیحت می‌کردند تا به راه راست برگردند. همانگونه که در مورد معاویه به وفور عمل نموده است. این نمونه‌ها گواه این است که هدف اولیه ایشان جنگ و خونریزی نبوده است و ارشاد و هدایت در اولویت قرار داشته است. چنانکه در نامه ۵۵، امام خطاب به معاویه می‌فرماید فَاتَّقِ اللَّهَ فِي نَفْسِكَ وَ نَارِ الشَّيْطَانِ قِيَادَكَ وَ اصْرِفْ إِلَى الْآخِرَةِ وَجْهَكَ، فَهِيَ طَرِيقُنَا وَ طَرِيقُكُمْ هَارَتْ را بدست شیطان مده و روی به آخرت نه که راه ما و تو آن راه است. (فرخی،



۱۳۹۶: ۱۳۲) امام برای جلوگیری از جنگ از روش مکاتبه و ارسال نامه به سران مخالف بهره می‌گرفت به عنوان نمونه نامه‌هایی به معاویه و یا در جواب نامه‌های معاویه نگاشتند و مکاتبات متعددی در این خصوص انجام دادند.

از نشانه‌های دیگر علاقمندی امام به صلح و دوری از جنگ و خونریزی، در نامه ۲۹ خطاب به مردم بصره دیده می‌شود. ایشان می‌فرمایند من گناهکاران را بخشودم و از آن روی بگردانده شمشیر برداشتم و آن را که روی آورده قبول نمودم. (فرخی، ۱۳۹۶: ۱۴۱) در جنگ صفین، لشکریان معاویه شریعه آبی را که هر دو لشکر می‌توانستند از آن استفاده کنند تصاحب نموده و اجازه استفاده یاران امام را نمی‌دادند. حضرت در خطبه‌ای بسیار قوی لشکر را برای تصاحب شریعه آماده نمود. آب در اختیار لشکر قرار گرفت اما ایشان مقابله به مثل نکرد و اجازه برداشتن آب به لشکر معاویه را نیز داد.

۶-۳- جنگ نهروان (مارقین):

درخصوص خوارج علی معتقد بود که آنها بدنبال حق هستند ولی اشتباه نموده‌اند. (فلیس من طلب الحق فإخطأه کمن طلب الباطل فأدرکه. خطبه ۵۸) لذا به حقوق شهروندی آنها احترام می‌گذاشت و می‌فرمود ما شما را از سه چیز محروم نمی‌کنیم ۱- ورود به مساجد ۲- بهره‌مندی از غنائم تا زمان همراهی با ما ۳- عدم جنگ تا زمانی که آغازگر جنگ نباشید. امام به جذب حداکثری و دفع حداقلی عمل می‌نمود و حقوق اجتماعی و شهروندی را تا زمانی که عمل مجرمانه‌ای انجام نمی‌دادند و علیه دستگاه حکومت دست به توطئه نمی‌زدند رعایت می‌نمود. (کوثری، ۱۳۹۷: ۱۱۷) حتی آنجا که یکی از خوراج با بی‌ادبی در میان سخنرانی امام در مسجد اظهاراتی نمود و اصحاب از جا برخاسته و قصد کشتن وی را کردند، حضرت ممانعت نمود و فرمود:



رَوَيْدًا، إِنَّمَا هُوَ سَبُّ يَسْبُ، أَوْ عَفْوٌ عَنْ ذَنْبٍ. او را مهلت دهید. به جای دشنام باید دشنام داد یا از گناهش گذشت؟ (حکمت ۴۲۰) در خصوص خوارج نیز امام از روش‌های مختلف برای جلوگیری از جنگ استفاده می‌نمود چنانکه در مذاکره با خوارج امام به سفیر خود ابن عباس سفارش می‌کند که لَا تُخَاصِمُهُم بِالْقُرْآنِ، فَإِنَّ الْقُرْآنَ حَمَلٌ ذُو وُجُوهِ، تَقُولُ وَ يَقُولُونَ ...، وَ لَكِنْ حَاجَجَهُم بِالسُّنَّةِ، فَإِنَّهُمْ لَنْ يَجِدُوا عَنْهَا مَحِيصًا در گفتگو با آنها به وسیله قرآن بحث مکن زیرا قرآن معانی مختلف دارد، لذا با آنها از طریق سنت پیامبر سخن بگو زیرا آنها راه گریزی از این امر ندارند. (نامه ۷۷)

تا آنجا که شرایط و مقتضیات فراهم بود از درگیری با خوارج پرهیز می‌نمود لذا در قضیه نهروان، وقتی عده‌ای انسان کج‌اندیش و متعصب در مقابلشان قرار می‌گیرند، نصیحت می‌کند و فایده‌ای نمی‌بخشد، احتجاج می‌کنند، فایده‌ای نمی‌بخشد، واسطه می‌فرستد، فایده‌ای نمی‌بخشد، کمک مالی می‌کند و عده‌ای همراهی می‌کنند، فایده‌ای نمی‌بخشد، در آخر سر که صف‌آرایی می‌کند، بازهم نصیحت می‌کند، فایده‌ای نمی‌بخشد، بنابراین بنا بر قاطعیت می‌گذارد. پرچم را به دست یکی از یارانش می‌دهد (ابو ایوب انصاری) و می‌گوید هرکس تا فردا زیر این پرچم آید، در امان است، اما با بقیه خواهم جنگید، از ۱۰ هزار نفر لشکر مخالفان، هشت هزار نفر زیر پرچم آمدند و ایشان گفت که شما بروید و رفتند، در حالی که آنها سابقه جنگ دارند، دشمنی و بدگویی کرده اند. به مابقی نیز اخطار کرد، تهدید کرد فایده نبخشید و لذا جنگ را شروع کرد. (محمدیان، ۱۳۸۸: ۷۰) البته راه دومی نیز پیش روی خوارج گذاشت و آن اینکه فرمودند هرکس به کوفه یا مدائن برگردد و از گروه کناره‌گیری کند در امان است.



۶-۴- نامه به مالک اشتر:

سیاست کلی امام در جنگ و صلح از فرمان ایشان به مالک مشخص می‌شود. به وی امر می‌کند که سیاست نظامی‌ات را چنان سامان ده که کمتر به جنگ و بیشتر به صلح ختم شود. همچنین می‌فرماید از سپاهیان کسی را به کار بگمار که آزار و شکنجه مردم و جنگ را دوست نمی‌دارد. (نامه ۵۳) فرماندهی بگمار که کمتر به جنگ و بیشتر به صلح پیباندیشد. قَوْلٌ مِنْ جُنُودِكَ أَنْصَحَهُمْ فِي نَفْسِكَ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِإِمَامِكَ، وَ أَنْفَاهُمْ حَيِّبًا، وَ أَفْضَلَهُمْ حِلْمًا، مِمَّنْ يُبْطِئُ عَنِ الْعَصَبِ، وَ يَسْتَرِيحُ إِلَى الْعُذْرِ، وَ يَرَأْفُ بِالضَّعْفَاءِ، وَ يَتَّبِعُ عَلَى الْأَقْوِيَاءِ، وَ مِمَّنْ لَا يُثِيرُهُ الْعُنْفُ، وَ لَا يَتَّقِدُ بِهِ الضَّعْفُ. آن که پیش تو نسبت به خداوند و پیامبر و پیشوایت خیرخواه‌تر و پاک‌دامن‌تر و بردبارتر است او را به فرماندهی ارتشت انتخاب کن، از آنان که دیر به خشم آیند، و پوزش پذیرترند، و به ناتوانان مهربان، و در برابر زورمندان گردن فرارزند، و از آنان که خشونت او را برپیانگیزد، و ناتوانی وی را بر جای ننشاند. (نامه ۵۳) ولا تدفعن صلحا دعاك ... و امنا لبلادك هرگز صلحی را که از جانب دشمن پیشنهاد می‌شود و رضای خدا در آن است رد مکن، چرا که در صلح برای سپاهت آرامش (و سبب تجدید قوا) و برای خودت مایه راحتی از هم و غم‌ها و برای سرزمینت موجب امنیت است. به مالک اشتر دستور می‌دهد که اگر در میدان نبرد، دشمن صلح را پیشنهاد کرد، چنانچه به راستی و درستی این امر اعتماد کردی و رضای خدا و مصلحت کشور را در صلح دانستی، بیدرنگ صلح کن زیرا صلح از جنگ ستوده‌تر و بهتر است.

۷- توصیه‌ها و استراتژی‌های صلح امام مستور در دعاها و خطبه‌های نهج‌البلاغه:

گفتار و کردار علی(ع) در زندگی، تقبیح دشمنی و جنگجویی و کشتار و تحسین صفا

و دوستی و برادری و تعاون و همکاری است و صلح را باعث آرامش و امنیت کشور می‌داند. (کوثری، ۱۳۹۷: ۱۱۰) در خطبه ۵۵ اشاره شده که هدایت منحرفان نزد امام علی(ع) دوست داشتنی‌تر از کشتن آنها در عین گمراهی و ضلالت است. *فَوَاللَّهِ مَا دَفَعْتُ الْحَرْبَ يَوْمًا إِلَّا وَ أَنَا أَطْمَعُ أَنْ تَلْحَقَ بِي طَائِفَةٌ فَتَهْتَدِيَ بِي وَ تَعُشُوا إِلَيَّ صَوْبِي، وَ ذَلِكَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَقْتُلَهَا عَلَى ضَلَالِهَا* به خدا سوگند، هیچگاه جنگ را حتی یک روز به تأخیر نینداختم مگر به آن امید که گروهی از مخالفان به من پیوندند و به وسیله من هدایت شوند. و با چشمان کم سوی خود پرتوی از راه مرا بنگرند و به راه آیند. چنین حالی را دوست‌تر دارم از کشتن ایشان در عین ضلالت. زیرا علی(ع) جنگ و خونریزی را شر و بدی و صلح را خیر و نیکی می‌داند (خطبه ۴۳ و نامه ۵۳) علی(ع) بسیار کابردی راه رسیدن به صلح درجوامع انسانی را بردباری، در اختیارگرفتن تیزی زبان و دوری از شتابزدگی در خشم می‌داند. (اسلامی، ۱۳۹۳: ۱۳)

مشی و روش حضرت در دوری از خونریزی عبارت بودند از آغاز نکردن جنگ (لَا تُقَاتِلُوهُمْ) [تَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى يَبْدَءَوكُمْ،--- فَإِذَا كَانَتِ الْهَزِيمَةُ بِإِذْنِ اللَّهِ فَلَا تَقْتُلُوا مُدِيرًا وَ لَا تُصِيبُوا مَعْرُورًا وَ لَا تُجْهِزُوا عَلَى جَرِيحٍ، نامه ۱۴] و (لِلظَّالِمِ الْبَادِي عَذَابٌ بِكَفِّهِ عَصَةٌ. آغاز کننده ستم، در قیامت انگشت به دندان می‌گزد. حکمت ۱۸۶)، مبارزه نطلبیدن، وَ قَالَ (عليه السلام) لِإِنِّهِ الْخَسَنِ (عليه السلام): لَا تَدْعُوَنَّ إِلَى مُبَارَزَةٍ، وَ إِنْ دُعِيتَ إِلَيْهَا فَأَجِبْ؛ فَإِنَّ الدَّاعِيَ إِلَيْهَا بَاغٍ، وَ الْبَاغِيَ مَصْرُوعٌ. حکمت ۲۳۳ که خطاب به امام حسن (ع) هرگز کسی را به مبارزه فرانخوان اما اگر تو را به مبارزه خواندند، پاسخ ده. زیرا آنکه فرا می‌خواند، بیدادگر است و بیدادگر، مغلوب است. عدم اجبار به شرکت درجنگ (نامه ۵۷)، تعلل در شروع جنگ، یا رخنه در بین مخالفان برای دستیابی به صلح و جلوگیری از خونریزی بود مانند مذاکره با زیر در جنگ جمل و یا نامه به عایشه برای انصراف از جنگ و همراهی عده‌ای که خون‌خواهی عثمان را داشتند. در جنگ نهروان نیز امام وعده امارت اصفهان و ری را به یزید

بن قیس داد تا عده‌ای به پیروی از وی از جنگ منصرف شوند. (کوثری، ۱۳۹۷: ۱۱۸)

امام علی(ع) در جنگ‌های مختلف از جمله جمل، خوارج و غیره از سفیران برای مذاکره و بازگشت مخالفان استفاده کرده است. هر چند توصیه می‌نمود که پس از امضای صلح از دشمن خود بسیار بسیار برحذر باش، زیرا دشمن چه بسا برای آنکه غافلگیر کند نزدیک می‌شود، پس جانب دوراندیشی را از دست منه و خوش گمانی را کنار بگذار. (نامه ۵۳)

امامان هیچگاه آغازگر جنگ نبوده‌اند. در واقعه کربلا پیشنهاد حمله به حر مطرح شد قبل از اینکه بقیه سپاه دشمن به این سرزمین برسند ولی امام نپذیرفت و فرمود که ما آغازگر جنگ نخواهیم بود. در جنگ صفین نیز توصیه امام بود که آغازگر جنگ نباشید ولی چون جنگ شروع شد به سرعت یورش برید و مردانه بجنگید. (کوثری، ۱۳۹۷: ۱۱۹) او هرگز خواهان خونریزی نبود. خواهان عدل و عدالت بود و سعی داشت تا ممکن است جنگی رخ ندهد و اگر جنگی رخ می‌داد تلاش داشت ضایعات را به حداقل برساند لذا معمولا تلاش می‌کرد که جنگ بعد از ظهر و نزدیک غروب آغاز شود تا اینکه تاریکی شب آتش جنگ را خاموش کند و خون کمتری ریخته شود. (کوثری، ۱۳۹۷: ۱۱۰)

صلح از منظر امیرالمومنین(ع) بر مبنای آموزه های اسلام

چهارچوب بینشی	توصیه های اسلام برای دستیابی به صلح	مفاهیم مرتبط با صلح در اسلام	دلایل وجوب جنگ (مجاز جنگ) در اسلام	روش های ایجاد صلح در حکومت امیرالمومنین(ع)
اسلام	دعوت به صلح بر مبنای مشترکات (کلمه سوله بیننا و بینکم) نفی نزاع پرستی برابری و عدالت رهایت حقوق متکفل راستی و درست هنو سولرا با لعل کتاب (کلمهوا و استسوا)	عدالت حقوق انسانی کرمت هومی انسان امنیت سلامت جامعه هدف الهی رفتایت خدوند رفع ظلم و ستم رسیدن به کمال انسان ایمان و باورهای پابندی به قوانین دین رویکرد انسانی نگاه اخلاقی به جنگ عدم کاربرد خشونت نگاه انسانی و متلایی به جنگ مقاومت و ایستادگی گفتگو و دیپلماسی صلح اجرای شعار دین الهی ایجاد صلح و آرامش در شهرها سعادت جامعه	رفتایت الهی هدایتگری گمراهان رسیدن به صلح عفوگانه رفع ظلم و ستم ایجاد عدالت ایجاد و حفظ امنیت جامعه حق تجاوز رفع قتل رفع استضعاف از مستبدگان حفاظت از سرزمین هر مقلل نفسی کنندگان پیمان آغاز گران جنگ	اصلاح و آشتی ملین بین افراد تأخیر در شروع جنگ مکتبه و لرسال سفیر نمایش توان و تجهیزات نظامی تتعریف روحیه دشمن دعوت به حل و تفاهم حجت قبل از شروع جنگ متح بدر قناری یا مجروحان و اسیران انسان ملین با هدف کاهش تلفات ایجاد مسیر بازگشت (قرار) دشمنان در نظر گرفتن مصالحت جامعه توصیه بر سیاستگذاری حاکمان با تأکید بر صلح نه جنگ انتخاب طرفداران دوستدار صلح عدم ریختن خون ناحق بر دیاری کنترل زمان دوری از شترزدگی پند و اندرز به منافقان استفاده از مهربانی و احسانات مخالفین برای دستیابی به صلح هنو مخالفان اجرای روشهای چیدمانه تبستن آب به روی دشمن پرهیز از مبارز طلبیدن امطای آزادی سیاسی واجتماعی به مخالفان توصیه به بهره گیری از مشورت حکمشندان و حکیمان در برقراری صلح و امنیت

۸- نتیجه:

در جهان امروز هدف حکومت و سیاست، برقراری صلح بیان شده است و صلح یک استراتژی و جهت‌گیری بنیادین شناخته می‌شود. در صلح است که جامعه آسوده‌خاطر و با فراغ بال به سوی کسب امکانات و ایجاد رفاه و آسایش حرکت می‌کند و در ایجاد جامعه بهتر تلاش می‌نماید. در جنگ‌ها عموماً یک قدرت (بازیگر سیاسی) پیروز می‌شود، شهروندان بازنده اصلی هستند و رعیت هم هیچگاه پیروز نمی‌شود. (اسلامی، ۱۳۹۳: ۲) اما از بزرگترین موانع صلح در جهان، تعصب، تبعیض و نابرابری و خوی استعمار و استثمار دیگران و دوری از نگاه آسمانی و الهی به انسان و جامعه انسانی است.

اسلام بر صلح بنا شده و امام جهاد را راهی برای اصلاح و داشتن حیات طیبه می‌داند نه کشتن بی دلیل (خطبه ۲۰۶) بر همین مبنا است که در صفین امیرالمومنین (ع) از خداوند صلح را طلب می‌کند. توجیه اصلی امام در جنگ، صرفاً هدایت گمراهان بود و از هر وسیله‌ای برای جلوگیری از جنگ بهره می‌گرفت. در دوران خود با سه گروه مخالف رویرو شد ولی روش صلح‌طلبانه با آنها داشت و انسانیت را اساس حکومت خود قرار داده بود. به مالک توصیه می‌کند که در کارهای منجر به تثبیت صلح و امنیت، پیوسته با دانشمندان و حکیمان کشور مشورت نماید. (سلطان محمدی، ۱۳۹۱: ۱۰۹)

هدف امام چیزی فراتر از نابودی و کشتن مخالفان است. ایشان در وهله اول تمام تلاش خود را در هدایت گمراهان و رهنمون ساختن آنها به سوی حق بکار می‌گیرد و جنگ و پیکار در آخرین مرحله قرار دارد. حتی تا پیش از آغاز جنگ نیز دست از ارشاد و هدایت بر نمی‌دارد و به انحاء مختلف یا جنگ را به تأخیر می‌انداختند و با ایراد خطبه و ارسال نامه سعی در پیشگیری از جنگ و برقراری صلح

داشتند. هرچند شجاعت امیرالمومنین(ع) برای همه شناخته شده بود و می‌دانستند که در میدان جنگ به هیچ دشمنی پشت نکرده است. چنانکه در نامه به عثمان بن حنیف می‌آورد: "و.. لو تظاهرت العرب علی قتالی لما ولیت عنها ولو امكنت الفرض من رقابها لسارعت الیها" به خدا سوگند اگر عرب برای نبرد با من پشت به پشت یکدیگر بدهند من به این نبرد پشت نمی‌کنم و اگر فرصت دست دهد که بتوانم آن را مهار کنم به سرعت به سوی آن خواهم شتافت. در جنگ‌های صدر اسلام از شجاعت‌های وی می‌بینیم در جنگ خندق که همه به خود لرزیدند و علی جلو رفت، در فتح خیبر، در احد در بدر و درحنین شجاعت امیرالمومنین(ع) شاخص و هویداست. اما تلاش ایشان تماماً درجهت رضای خداوند بود و طبق اصول انسانی رقم می‌خورد. عملکرد ایشان در تمام جنگ‌ها، الزام به رعایت حدود و موازین الهی است و روحیه صلح‌طلبی و خشونت‌گریزی در وی مشهود است.

با تحلیل سیره عملی امام، استراتژی سیاسی وی در زمینه جنگ و صلح، بر مبنای حفظ کرامت انسان و ایجاد صلح و آرامش در جامعه اسلامی است. نگاه حضرت به جنگ و صلح، نگاهی الهی و براساس آموزه‌های دین اسلام و ابزاری برای رسیدن به اهداف اسلام که حفظ ارزش‌های الهی و انسانی است و جلوگیری از ظلم و هرج و مرج از جامعه انسانی می‌باشد. (ملاشاهی، ۱۳۹۷: ۱۵۴)

منابع

- ۱- اسلامی، روح‌الله و وحید بهرامی عین‌القاضی (۱۳۹۳)، پدیدارشناسی تکنیک‌های امام علی(ع) برای صلح (مطالعه موردی، عهدنامه مکتوب خطاب به مالک‌اشتر)، جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال پنجم، شماره سوم، پاییز، صص ۱۰۷-۱.
- ۲- امیری، سروش (۱۳۹۷)، نسبت قرآن و نهج‌البلاغه با اصالت صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز، فصلنامه پژوهش‌های نهج‌البلاغه، سال هفدهم، پاییز، شماره ۵۸.
- ۳- تافلر، آلوین و هایدی (۱۳۷۲)، جنگ و ضدجنگ، ترجمه شهیندخت خوارزمی، تهران، سیمرغ.
- ۴- دهخدا، محمد (۱۳۵۸)، فرهنگ متوسط، با نظارت جعفرشاهی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۵- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴)، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، چاپ دوم، ترجمه غلامرضا خسروی، تهران، مرتضوی.
- ۶- سلطان محمدی، حسین و فاطمه سلطان محمدی (۱۳۹۱)، تبیین مولفه‌های سیاست اخلاقی امام علی(ع) پیش از رسیدن به امامت و حکومت، پژوهش‌نامه علوی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال سوم، شماره اول، بهار و تابستان، صص ۹۱-۱۱۶.
- ۷- غفرانی، محمد و مرتضی آیت‌الله‌زاده شیرازی (۱۳۸۳)، فرهنگ اصطلاحات روز فارسی-عربی، تنظیم ابراهیم اقبال، چ پانزدهم، موسسه انتشارات امیرکبیر، تهران.

۸- فرخی، میثم و بتول احمدی (۱۳۹۶)، الگوی ارتباط با مخالفان در دوران حکومت امام علی(ع) مطالعه موردی خطبه‌ها و نامه‌های نهج‌البلاغه، دو فصلنامه پژوهش‌نامه علوی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هشتم، شماره دوم، پاییز و زمستان، صص ۱۴۸-۱۲۳.

۹- کوثری، محمدعلی، پهلوان، منصور و حسن طارمی‌راد (۱۳۹۷)، صلح‌طلبی امام علی(ع) و ارائه الگوهای عملی تحقق صلح و جلوگیری از جنگ در سیره ایشان، فصلنامه پژوهش‌های نهج‌البلاغه، سال هفدهم، زمستان، شماره ۵۹، صص ۱۲۷-۱۰۷.

۱۰- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸)، جاذبه و دافعه علی(ع)، چاپ نهم، تهران، انتشارات صدرا.

۱۱- محمدیان، محمد (۱۳۸۸)، جاودانه تاریخ، نگاهی به ابعاد شخصیت امیرالمومنین علی(ع) برگرفته از بیانات آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، مرکز نشر انقلاب اسلامی، چاپ دوم، تابستان.

۱۲- ملاشاهی، زارع، محمدهادی امین ناجی و سید محمد میردامادی (۱۳۹۷)، صلح‌گرایی امام علی(ع) نقد و بررسی (با تکیه بر نهج‌البلاغه)، فصلنامه پژوهش‌های نهج‌البلاغه، سال هفدهم، پاییز، شماره ۵۸.

۱۳- معین، محمد (۱۳۸۴)، فرهنگ معین، تهران، انتشارات امیرکبیر.

۱۴- نهج‌البلاغه (ترجمه‌های محمد دشتی، سید علی موسوی گرمارودی، علامه جعفری)